

بررسی جواز و عدم جواز لمس و دست دادن بازن مسلمان و غیر مسلمان از منظر فقه امامیه^۱

محمد مشکی قندشتی^۲

بلال شاکری^۳

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیر مسلمان
از منظر فقه امامیه

۱۴۱

چکیده

مسئله دست دادن مردان و زنان نامحرم از دیر زمان مورد توجه بوده است؛ به گونه‌ای که این مسئله مورد سؤال اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیز واقع شده است. فقهای عظام نیز به این مسئله پرداخته و دیدگاه‌های مختلفی را در این باره بیان کرده‌اند. در نوشتار حاضر با بررسی و تحلیل منابع مکتوب فقهی و روایی و با استفاده از قواعد و مبانی مختلف اصولی، به تحلیل این فرع فقهی پرداخته شده است. این مسئله از سه جهت احکام اولیه، احکام ثانویه و اصول عملیه مورد مذاقه قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که دست دادن مرد با زن مسلمان جایز نیست، مگر با رعایت سه شرط وجود حائل؛ فشار ندادن دست و نداشتن قصد ریه و لذت. اما نسبت به دست دادن به زنان غیر مسلمان، حکم مسئله بر اساس مبانی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲.

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نائین و مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم؛ رایانامه: mohammad.moshki@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد، رایانامه: b.shakeri@iran.ir

و قواعد مختلف اصولی متفاوت می‌شود. بر اساس برخی مبانی و قواعد، دست دادن به ایشان جایز و بر اساس برخی دیگر همانند دست دادن به زن مسلمان حرام است مگر با سه شرط ذکر شده. در نهایت، اگر نسبت به حرمت یا جواز دست دادن به زنان غیرمسلمان شک شود، با توجه به اینکه مسئله از مصادیق شبهه حکمیه تحریمیه است، اصل برائت جاری می‌گردد و حکم به جواز دست دادن به ایشان می‌شود.

کلید واژه‌ها: حرمت نظر، مصافحه، لمس، مسّ، اجنبیه، دست دادن به نامحرم.

مقدمه

اقوام و ملل دنیا دارای فرهنگ‌ها، آداب و رسوم مختلفی می‌باشند و تعامل فرهنگی در میان جوامع بشری، یک امر ضروری است. اصولاً شکل‌گیری هر تمدنی، در واقع، خود را وام‌دار همین تعاملات بین‌المللی می‌داند. از طریق همین ارتباط است که آثار تمدن و ملل دنیا به دیگر تمدن‌ها منتقل می‌شود و هر تمدنی خود را تا حدّی مرهون تمدن‌های پیشین می‌داند.

روشن است که در روابط فرهنگی ملاک برای پذیرش و عدم آن، فرهنگ، آداب و رسوم، در حقیقت، معیارهای موجود، در ملیت آنان است؛ در این راستا، یکی از آداب و رسومی که جنبه فراملیتی دارد، دست دادن زنان و مردان نامحرم به یکدیگر است. در بعضی کشورها در مواجهه با یکدیگر، در صورت مصافحه نکردن - دست دادن - آن را نوعی اهانت به خود تلقی می‌کنند. به هر حال، این رسم یک امر مبتلی به قرار گرفته است و انجام آن یک نوع اظهار ادب و احترام، و ترکش بی‌احترامی محسوب می‌شود.

حال با توجه به روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها و با وجود اختلاف عرف و آداب اسلامی با عرف و آداب سایر کشورها، مسئله جواز یا عدم جواز دست دادن زن و مرد نامحرم به عنوان یک مسئله چالشی مطرح شده است؛ لذا بررسی حکم این مسئله دارای اهمیت ویژه‌ای شده است؛ از این رو، نوشتار حاضر به واکاوی این فرع فقهی پرداخته تا دیدگاه شریعت درباره جواز یا عدم جواز دست دادن زن و مرد نامحرم مشخص شود.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۴۲

پیشینه

مسئله جواز دست دادن به نامحرم تاریخچه‌ای به قدمت فقه دارد و از مسائلی است که از زمان معصومان علیهم‌السلام مطرح بوده است و فقها نیز کم و بیش به آن پرداخته‌اند. اما برخی مسائل جدید که درباره این مسئله خصوصاً در بحث روابط بین‌الملل مطرح شده است، این مسئله را مجدداً مورد توجه فقه‌پژوهان قرار داده است؛ لذا برخی پژوهشگران حوزه فقه به تدوین آثاری در این باره پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها به قرار ذیل است:

۱. دست دادن به نامحرم از نگاه آیات و روایات، نوشته احمد طاهرنیا؛
 ۲. ارزیابی روایات مصافحه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با زنان با تأکید بر آیه ۱۲ سوره ممتحنه، نوشته مصطفی زمانی، محمدرضا ستوده‌نیا و محمدرضا حاجی اسماعیلی.
- این مسئله در میان فقه‌پژوهان اهل تسنن نیز مورد توجه بوده و آثار ذیل از سوی ایشان به رشته تحریر در آمده است:

۱. المصافحة بين المرأة و الرجل، نوشته محمد بن الأمين الدمشقي؛
۲. حکم مصافحة الرجل للمرأة الأجنبية، نوشته یونس عبدالرب فاضل الطلول؛
۳. المصافحة بين الجنسين؛ الحكم و الضوابط، نوشته حامد العطار؛
۴. إتحاق الإخوان فی حکم مصافحة النسوان، نوشته ریاض بن محمد المسیمیری.

با توجه به اینکه عمده دلیل بر مسئله جواز یا عدم جواز دست دادن با نامحرم، ادله روایی است و با توجه به اختلاف اساسی در پذیرش روایات میان شیعه و اهل تسنن بر اساس مبانی رجالی، در نوشتار پیش‌رو تنها به بررسی این مسئله از دیدگاه امامیه می‌پردازیم؛ زیرا به نظر می‌رسد تحلیل و بررسی این مسئله بر اساس دیدگاه‌های فقهای امامیه و همچنین مبانی مختلفی که از سوی ایشان مطرح شده است، به خوبی منقح نشده است و در هیچ اثری به صورت جامع و بر اساس مبانی مختلف مطرح نزد فقهای امامیه بررسی نشده است؛ بنابراین تمرکز مقاله بر بررسی حکم این فرع فقهی از دیدگاه امامیه است.

نوآوری‌های پژوهش

در مقایسه اثر پیش‌رو با سایر آثار بیان شده در پیشینه پژوهش، می‌توان به تمایزات و نوآوری‌هایی اشاره کرد:

۱. بررسی جامع مسئله بر اساس اقوال، ادله، حکم اولی، حکم ثانوی و اصل عملی؛
۲. بیان مبانی مختلف اصولی مؤثر در بررسی و تحلیل فقهی؛
۳. عملیاتی کردن قواعد و مبانی اصولی مختلف در بررسی فقهی یک مسئله و نشان دادن کاربرد علم اصول در فقه؛
۴. بیان نتایج مختلف فقهی در مسئله بر اساس مبانی مختلف مؤثر در بحث.

اقوال در مسئله

مسئله لمس و دست دادن به نامحرم از مسائلی است که فی‌الجمله درباره حرمت آن اتفاق نظر وجود دارد؛ فقهای شیعه فی‌الجمله، در برخی موارد و با وجود برخی شرایط، قائل به جواز آن شده‌اند، اما درباره اینکه این موارد یا شرایطی که از حرمت لمس و دست دادن استثنا شده، چه مواردی است، اختلافاتی وجود دارد که در ذیل بیان می‌شود:^۱

۱. گروهی از فقها دست دادن به نامحرم را تنها با رعایت یک شرط جایز می‌دانند. از نظر ایشان تنها شرط جواز، وجود پوشش و حائل است (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰۸/۳؛ سبزواری، بی‌تا، ۵۴۹؛ یزدی طباطبائی، ۱۴۱۹، ۷۶۳/۲-۹۶۹؛ مطهری، بی‌تا، ۵۶۶/۱۹؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۲۰۴/۲؛ حکیم، ۱۴۱۶، ۴۹/۱۴-۵۰؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۸۳/۳۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۵۱/۲۴؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹، ۱۴/۳۹۷؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ۶/۴۶۳؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷، ۱۲۱/۲۹).

۲. برخی دیگر علاوه بر وجود حائل، شرط دومی را نیز برای حکم به جواز دست دادن با نامحرم معتبر می‌دانند. البته این گروه درباره شرط دوم جواز با یکدیگر اختلاف دارند. برخی فشار ندادن دست نامحرم را در کنار وجود حائل و پوشش

جستارهای فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۴۴

۱. چنان‌که بیان شد، در این پژوهش دیدگاه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، اقوال مطرح شده نیز مربوط به فقه‌های امامیه است. اما نزد فقهای اهل تسنن نیز دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است که در این نوشتار مجال پرداختن به آن‌ها نیست. برای اطلاع از دیدگاه‌های مطرح شده نزد اهل تسنن، ر. ک: مقاله «حکم مصافحة الرجل للمرأة الأجنبية» نوشته یونس عبدالرب فاضل الطولول. (http://www.jameataleman.org/main/articles.aspx?article_no=1373)

معتبر می‌دانند (حلی، ۱۴۲۰، ۵۷۵/۲) و گروه دیگر نداشتن قصد لذت و ریه، را شرط دوم برشمرده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۶، ۱۸۱).

۳. از نگاه برخی معاصران، برای حکم به جواز دست دادن به نامحرم، وجود سه شرط لازم است. ایشان بین شروط مطرح شده جمع کرده و سه شرط وجود حائل و پوشش؛ بدون فشار دست؛ و بدون قصد ریه و لذت را برای حکم به جواز دست دادن با نامحرم لازم دانسته‌اند (گلیپگانی، ۱۴۰۹، ۳۹۷/۴).

۴. عده‌ای نیز بین دست دادن زن با مرد نامحرم و مرد با زن نامحرم تفاوت گذاشته‌اند. از نظر ایشان دست دادن زن با نامحرم جایز نیست مگر با وجود حائل، بدون مفسده و بدون قصد ریه اما دست دادن مرد با زن غیرمسلمان در صورتی جایز است که ترک آن حرجی و دارای ضرورت عرفی باشد و ترک آن موجب وهن دین و مذهب گردد و مفسده‌ای از قبیل ریه و تلذذ نیز در پی نداشته باشد که در این صورت به مقدار ضرورت جایز است و حتی الامکان اگر از روی لباس یا دستکش باشد، بهتر است (منتظری، بی تا، رساله استفتانات، ۳/۳۳۱).

بررسی مستندات مسئله

نسبت به حکم شرعی دست دادن به نامحرم از چند دسته ادله نقلی می‌توان استفاده کرد. این ادله در ادامه نقد و بررسی می‌شوند تا مشخص شود کدام دیدگاه مطرح شده از سوی فقیهان مورد پذیرش است.

۱. روایتی که به صورت مطلق لمس نامحرم را جایز نمی‌داند:

روایت اهل تسنن از رسول خدا ﷺ: اینکه به سر یکی از شما با سوزن آهنین بزنند برای وی بهتر است تا به زنی که محرمش نیست، دست بزنند (هیثمی، ۱۴۱۴، ۳۲۶/۴؛ مناوی، ۱۳۵۶، ۵/۲۵۸).

این روایت نشان‌دهنده نکوهید بودن لمس نامحرم است؛ اگرچه شاید که ظهوری قوی در حرمت نداشته باشد.

۲. روایاتی که به صورت مطلق از دست دادن به نامحرم نهی کرده‌اند، همچون:

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

الف) روایت حسین بن زید از امام باقر علیه السلام:^۱ کسی که با زن نامحرم مصافحه کند، دچار غضب و عذاب الهی می شود (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۴/۴).

۱- ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: هر که با زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت با غل و زنجیر به محشر آمده، دستور داده می شود که او را به جهنم ببرند (صدوق، ۱۴۰۶، ۲۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹۸/۲۰).

در این دو روایت برای دست دادن به نامحرم وعده عذاب الهی داده شده است و عذاب الهی، ملازم با حرمت عمل است.

۳. روایاتی که به صورت مقید و با رعایت شرایطی دست دادن به نامحرم را جایز می دانند. این گروه روایات خود به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) در برخی روایات، وجود حائل، تنها شرط جواز دست دادن بیان شده است؛ از جمله این روایت می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) صحیححه ابی بصیر از امام صادق علیه السلام: به حضرت عرض کردم، آیا دست دادن مرد با زنی که از محارم او نیست، جایز است؟ حضرت فرمودند: خیر مگر دست دادن همراه با پوشش دست با پارچه ای باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۲۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۳؛ عاملی، ۱۴۱۲، ۲۰۷/۲۰).

۲) روایت جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام:^۲ زن مجاز نیست با نامحرم مصافحه کند مگر از روی لباسش و نباید بیعت کند مگر از روی لباسش (صدوق، ۱۳۶۲، ۵۸۸).

۳) در این دو روایت حضرت علیه السلام تنها شرط برای جواز دست دادن به نامحرم را وجود حائل و پوشش بیان می کنند. با توجه به اینکه کلام حضرت علیه السلام به صورت جمله استثنائیه مطرح شده است، بر اساس پذیرش مفهوم استثناء، این روایت بر این نکته دلالت دارد که تنها شرط انحصاری جواز دست دادن به نامحرم، وجود حائل است و دیگر شرایط مطرح شده لازم نیست.

۴) در روایتی مرسل از سعیده و منّه، دو خواهر ابن ابی عمیر، آمده است: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که از حضرت علیه السلام پرسیدیم آیا زن از برادر ایمانی خود عیادت

۱. روایت به سبب شعب بن واقد که مجهول است ضعیف است (خویی، ۱۴۱۰، ۳۴/۹).

۲. روایت به خاطر چند راوی مجهول، ضعیف است.

می‌کند؟ حضرت علیه السلام فرمودند: بله. گفتیم: آیا با یکدیگر دست هم می‌دهند؟
حضرت علیه السلام فرمودند: از پشت لباس (با وجود حائل) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۲۶).

در این روایت حضرت علیه السلام در مقام پاسخ به سؤال شخص هستند و تنها شرطی که برای جواز دست دادن به نامحرم مطرح می‌کنند، وجود حائل است؛ لذا این روایت به اطلاق مقامی خود دال بر عدم شرطیت موارد دیگر است. در ضمن در جای خود به اثبات رسیده است که عام یا مطلق در مقام استفتا، آبی از تقیید و تخصیص است (شاکری، ۱۳۹۷، ۱۰/۲۸-۳۰). این مسئله نیز دلیل دیگری بر عدم شرطیت شروط دیگر برای جواز دست دادن است.

ب) در روایتی دیگر، دو شرط وجود حائل و فشار ندادن دست، به عنوان شرط جواز مطرح شده است: موثقه سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام: از امام صادق علیه السلام درباره دست دادن مرد با زن - اجنبی - سؤال کردم، حضرت علیه السلام فرمودند: برای مرد حلال نیست که با زن دست بدهد، مگر زنی که ازدواج با او حرام است؛ همچون خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر و امثال آنها و اما زنی که ازدواج با وی برای مرد حلال است، نباید با او دست بدهد، مگر از پشت پارچه و دست زن را نیز نباید فشار دهد (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۲۵؛ عاملی، ۱۴۱۲، ۲۰/۲۰۸).

این روایت نیز به لسان استثنا بیان شده است و مفهوم استثنا دال بر این مطلب است که جواز دست دادن با نامحرم دو شرط دارد و جز این دو مورد، شرط دیگری برای حکم به جواز دست دادن لازم نیست.

۴. ادله مربوط به نگاه به نامحرم

در ادله نقلی، ادله متعددی نسبت به نگاه به نامحرم وارد شده است. استدلال به این ادله مبتنی بر پذیرش تلازم میان حکم نگاه به نامحرم با حکم لمس و دست دادن به وی است. اما اگر این تلازم پذیرفته نشود، استدلال به این ادله ناتمام است. به هر حال، درباره نگاه به نامحرم دو دسته دلیل وجود دارد:

۱- ادله دال بر حرمت نظر به نامحرم

درباره حرمت نگاه به نامحرم آیات و روایاتی وجود دارد. از جمله آیات مربوط

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

به غَضَّ بصر (نور/۳۰-۳۱)^۱ که امر به فرو بستن دیدگان از نامحرم دارد. از روایات نیز می‌توان به روایت محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام اشاره کرد: نگاه به موی زنان شوهردار و غیر آنان حرام شده است؛ چون موجب تحریک مردان شده و این تحریک منجر به فساد و دخول در حرام می‌شود (صدوق، ۱۳۷۸، ۹۷/۲؛ صدوق، ۱۳۸۵، ۵۶۵/۲).

در این روایت تصریح به حرمت نگاه به نامحرم شده است. بر اساس قیاس اولویت ممکن است گفته شود لمس بدن نامحرم که دست دادن نیز مصداقی از آن است، به طریق اولی موجب تحریک شده و حرام است (طاهرنیا، ۱۳۸۸، ۵۹-۶۰/۲۱۴-۲۴۳).

۲- ادله دال بر جواز نظر به زنان غیر مسلمان

در برخی ادله، نگاه به زنان غیر مسلمان جایز دانسته شده است که این ادله می‌توانند مقید و مخصص ادله حرمت نظر به نامحرم باشند. این ادله عبارت است از: (۱) موثقه سکونی از امام صادق علیه السلام: حضرت از قول رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نظر کردن به موها و دستان زنان اهل ذمه حرام نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۵۲۴/۵؛ عاملی، ۱۴۰۷، ۲۰۵/۲۰).

این موثقه نص و صریح است در نفی حرمت نظر و نگاه به موها و دست‌های زنان اهل کتاب و اهل ذمه.

(۲) موثقه عباد بن صهیب از امام صادق علیه السلام: نگاه به سر زنان تهامه، صحرانشینان، روستاییان و کافران اشکالی ندارد؛ چون ایشان اگر نهی هم شوند که سر خود را بپوشانند، نمی‌پذیرند (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۲۴).

این روایت نیز به صراحت بیان می‌کند که نظر به موی نامحرم برخی زنان اشکال ندارد. دلیلی نیز برای این حکم در روایت بیان شده است که عبارت است از، عدم تأثیر نهی از منکر ایشان.

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَصْنَعُونَ*» وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُجُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَاعِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِينَ لَمْ يُظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور / ۳۱-۳۰).

تحلیل و جمع‌بندی روایات

مجموع ادله‌ای را که درباره دست دادن به نامحرم بیان شده است، می‌توان در دو دسته کلی دسته‌بندی کرد: ۱- ادله‌ای که به صورت مستقیم ناظر به لمس و دست دادن به نامحرم است؛ ۲- ادله‌ای که از باب ملازمه بین نظر و لمس دال بر حکم مسئله است.

تحلیل ادله ناظر به لمس و دست دادن به نامحرم

در این باره چهار دسته مختلف روایات داریم که دایره شمولی آن‌ها از عام و مطلق شروع و به خاص‌ترین دسته ختم می‌شود:

۱. روایاتی که به صورت مطلق، لمس نامحرم را حرام می‌داند و دست دادن به نامحرم نیز مصداقی از مصادیق لمس نامحرم است و حرام می‌باشد.
۲. روایاتی که تنها ناظر به حرمت دست دادن به نامحرم است.
۳. روایاتی که دست دادن به نامحرم را با یک شرط (وجود حائل) جایز می‌داند.
۴. روایاتی که دست دادن به نامحرم را با دو شرط (وجود حائل و عدم فشار) جایز می‌داند.

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

۱۴۹

چنان که ملاحظه می‌شود، روایات دسته اول به نسبت سه دسته دیگر مطلق و روایات دسته دوم از دو دسته اخیر اعم است و روایات دسته سوم به نسبت دسته چهارم اعم می‌باشد.

برای تحلیل رابطه میان این روایات باید چند مبنای مختلف مد نظر قرار گیرد:

۱. عمل مشهور جابر ضعف سند هست یا خیر؟
۲. در عام و خاص یا مطلق و مقید متوافقین، تخصیص و تقیید اجرا می‌شود یا خیر؟

۳. در تعارض بیش از سه دلیل، نظریه انقلاب نسبت جاری است یا خیر؟ و وجه تقدیم نسبت سنجی میان ادله بر اساس نظریه انقلاب نسبت چیست؟

۴. موارد ابای تخصیص دلیل عام کدام است؟
در ادامه به تحلیل و تطبیق هریک از مبانی مطرح شده در جمع‌بندی روایات می‌پردازیم.

برای نسبت‌سنجی این چهار دسته روایات ابتدا میزان اعتبار آن‌ها باید مشخص شود. در این میان روایات دسته اول و دوم با مشکل ضعف سندی مواجه هستند که بنابر پذیرش مبنای جبران ضعف سند با عمل مشهور، ضعف سند این روایات نیز مرتفع می‌شود و در استنباط نقش ایفا می‌کنند. اما اگر چنین مبنایی پذیرفته نشود، این دو دسته روایت از محل بحث خارج و تنها دو دسته اخیر مستند حکم شرعی واقع می‌شود. بنابر جبران ضعف سند این دو دسته روایت، باید گفت دسته دوم به نسبت دسته اول هر چند مقید و اخص است، اما چون دو دلیل متوافقین هستند، موجب تقیید و تخصیص نیست و دسته دوم روایات حمل بر تأکید می‌شود (ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹، ۲۵۰). در واقع، هر نوع لمس نامحرمی حرام است، اما چون مصافحه و دست دادن بیشتر محل ابتلا است در دسته دوم بر آن تأکید شده است که حتی دست دادن با نامحرم جایز نیست؛ بنابراین، سنجیدن رابطه این دو دسته روایت، همان حکم اعم عدم جواز لمس نامحرم است. در برابر این دلیل عام، دو دسته روایت خاص یعنی روایات دسته سوم و چهارم وجود دارد.

در نسبت‌سنجی دسته سوم و چهارم باید گفت این دو دسته نیز بینشان رابطه عموم و خصوص برقرار است. دسته چهارم اخص مطلق از دسته سوم است؛ بنابراین، سه دسته روایت عام، خاص و اخص وجود دارد که بر اساس نظریه انقلاب نسبت ابتدا رابطه خاص و اخص سنجیده می‌شود و سپس دلیل عام با نتیجه آن تخصیص می‌خورد (رک: شاکری، ۱۳۹۶، ۶/۲۹-۴۴).

در نسبت‌سنجی بین دو دسته روایات سوم و چهارم باید بدین نکته توجه داشت که در دسته سوم برخی روایات از نظر سندی، صحیح و قابل اخذند. این دسته روایات با توجه به مفهوم حصر (ادات استثنا) دال بر شرطیت وجود حائل برای جواز دست دادن با نامحرم بوده و هر نوع شرط دیگری را بر اساس مفهوم حصر نفی می‌کند. حال اگر در مقام حصر بودن، موجب ابای از تخصیص دلیل شود (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۷، ۱۰/۱۳-۴۰)، میان دسته سوم و چهارم تعارض برقرار است و باید به قواعد باب تعارض مراجعه کرد. چون روایات دسته سوم صحیح هستند اما روایات دسته چهارم موثقه، دسته سوم مقدم می‌باشند و تنها شرط برای جواز دست دادن با نامحرم،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۵۰

وجود حائل است. اما با توجه به اینکه در مقام حصر بودن موجب ابای از تخصیص دلیل عام نمی شود (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۷، ۱۳/۱۰-۴۰)، رابطه تعارض بر قرار نیست و دلیل اخص به سبب قوت ظهوری که نسبت به دلیل خاص دارد، بر آن مقدم می شود و آن را تخصیص می زند؛ بنابراین، نتیجه نسبت سنجی میان این دو گروه، لزوم رعایت دو شرط وجود حائل و عدم فشار دست برای جواز دست دادن به نامحرم است.

البته در دسته سوم روایت خواهران ابن ابی عمیر نیز وجود داشت که این روایت به علت مرسل بودن سند، ضعیف و غیرقابل استناد است، اما اگر از ضعف آن چشم پوشی شود، این روایت چون در مقام استفتاست، آبی از تخصیص می باشد و دسته چهارم نمی تواند موجب تخصیص آن شود (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۷، ۱۳/۱۰-۴۰)؛ لذا میان این دو روایت تعارض بر قرار می شود. در مقام تعارض دسته چهارم با این روایت، دسته چهارم به سبب مسند بودن و موثق بودن بر این روایت مقدم می شوند. پس نتیجه، لزوم رعایت هر دو شرط خواهد بود؛ مگر اینکه گفته شود روایت خواهران ابن ابی عمیر با دو صحیح دیگر تأیید می شود و در تعارض بین دو دسته، دسته سوم بر دسته چهارم ترجیح می یابد و تنها یک شرط برای جواز دست دادن لازم است.

به هر حال، آنچه مطابق قواعد است، تقدیم دسته چهارم بر دسته سوم است که نتیجه آن رعایت هر دو شرط مطرح شده است. حال، این نتیجه را با دسته اول که اعم بود، سنجیده و آن روایت با نتیجه حاصل شده، تخصیص زده می شود؛ بنابراین، لمس نامحرم حرام است مطلقاً، اما دست دادن به وی با دو شرط وجود حائل و عدم فشار دست جایز است.

بر این دو شرط باید شرط سومی یعنی نداشتن قصد ربه را نیز افزود. این شرط در روایات محل بحث وارد نشده است، اما نداشتن ربه در ادله دیگری حتی در رابطه با مردان و محارم وارد شده است؛ لذا چنین شرطی در دست دادن به نامحرم به طریق اولی معتبر است.

بنابراین، بر اساس ادله موجود، باید گفت دیدگاه کسانی که سه شرط وجود حائل، فشار ندادن دست و نداشتن قصد ربه را برای جواز دست دادن به نامحرم معتبر می دانند، تمام است.

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

تحلیل مسئله بر اساس ملازمه میان نظر و لمس

چنان که گذشت، برای جواز یا حرمت دست دادن با نامحرم، ادله مختلفی بیان شده است. دسته اول ادله حرمت لمس و دست دادن و دسته دوم از ادله در این باره، ادله جواز یا حرمت نظر به نامحرم است. ربط این ادله به مسئله آن است که ممکن است ادعای ملازمه میان حکم نظر و لمس شود؛ لذا اگر نظر حرام باشد، لمس نیز حرام است و به تبع دست دادن حرام می‌باشد و اگر نظر جایز باشد، دست دادن نیز جایز است.

بر این اساس باید گفت: با توجه به ادله عام و مطلقه که بر حرمت نظر به نامحرم وارد شده، اما در برابر آن‌ها، روایات صحیحه و موثقه‌ای بر استثنای زنان غیرمسلمان آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که نگاه به مو و صورت زنان غیرمسلمان حرام نیست. حال، اگر ملازمه میان جواز نظر و لمس پذیرفته شود، دست دادن به زنان غیرمسلمان جایز است. این ادله می‌تواند مخصص ادله حرمت لمس و دست دادن به نامحرم باشد؛ لذا در کنار سه قیدی که برای جواز دست دادن به نامحرم مطرح شد، می‌توان غیرمسلمان بودن زن را نیز به عنوان مورد دومی از موارد استثنا بر شمرد.

اما اصل چنین ادعا و احتمالی مورد مناقشه و ناپذیرفتنی است؛ زیرا دلیلی بر وجود چنین ملازمه‌ای وجود ندارد؛ بلکه بر عکس، آنچه در روایات و کلمات فقها مطرح است، اولویت در ناحیه حرمت است؛ یعنی وقتی نظر به نامحرم حرام است، به طریق اولی لمس و دست دادن به او حرام خواهد بود. چنان که در روایت محمد بن سنان، علت حرمت نظر به موی نامحرم این است که موجب تحریک و دخول در حرام است (صدوق، ۱۳۷۸، ۹۷/۲، ۱۳۸۵، ۵۶۵/۲) که این علت در لمس و دست دادن به طریق اولی محقق است. در کلمات فقها نیز این اولویت منعکس شده است. برخی از ایشان گفته‌اند: «در هر جا که حکم به حرمت نظر دادیم، حرمت مس و لمس قوی‌تر است» (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۴۳/۱۲، نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰۰/۲۹؛ محقق داماد، ۱۴۱۶، ۳۸/۲)؛ اما در رابطه عکس آن یعنی موارد استثنای از حرمت نظر، قائل به جواز لمس و وجود ملازمه نشده‌اند (ر.ک: عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۴۳/۱۲، نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰۰/۲۹؛

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۵۲

محقق داماد، ۱۴۱۶، ۳۸/۲؛ بنابراین، هر چند نظر به مو و صورت زنان غیرمسلمان از حکم حرمت استثنا شده است، اما این استثنا به معنای جواز لمس و دست دادن به ایشان نیست.

با این وجود، چنان که بیان شد، برخی قائل به جواز دست دادن به زنان غیرمسلمان شده‌اند که بررسی این دیدگاه در ادامه می‌آید.

دست دادن به زنان غیرمسلمان

بر اساس ادله مطرح شده، آنچه به عنوان نتیجه بیان شد، تفاوتی میان زنان مسلمان و غیرمسلمان نیست و حرمت دست دادن به نامحرم بدون رعایت شرایط سه‌گانه ثابت است؛ چه طرف مقابل مسلمان باشد یا غیرمسلمان. برخی از معاصران بر این عقیده‌اند که حکم حرمت و جواز دست دادن به شرایط مطرح شده، مربوط به نامحرم مسلمان است. اما این حکم درباره دست دادن به زنان غیرمسلمان متفاوت است. از نظر ایشان دست دادن به زنان غیرمسلمان حتی بدون حائل البته بدون قصد لذت و ریه جایز است؛ چرا که زنان غیرمسلمان برای خود حرمتی قائل نیستند. این دیدگاه برای اثبات نظر خود سه استدلال مطرح کرده است (ر.ک: منتظری، بی‌تا، دیدگاه‌ها، ۵۷۲/۱).

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

۱۵۳

۱. **نبود ملاک حرمت:** با توجه به روایات نظر، باید گفت ملاک حرمت نظر، احترام شخص مورد نظر است؛ بنابراین، اگر شخص نظر را مخالف احترام خود نمی‌داند و خود را نمی‌پوشاند، بلکه زنان غیرمسلمان ترک نظر به خود را نوعی بی‌احترامی به خود می‌شمارند، نظر به آن‌ها طبعاً جایز است. بعید نیست همین ملاک را در دست دادن جاری دانست؛ لذا دست دادن به ایشان نیز جایز است.

۲. **انصراف:** روایات حرمت دست دادن به نامحرم، انصراف به زنان مسلمان دارد؛ بنابراین، دلیلی بر حرمت دست دادن به زنان غیرمسلمان وجود ندارد.

۳. **ضرورت:** اگر دست دادن در محیط و شرایطی دارای ضرورت عرفی و ترک آن موجب وهن باشد، با وجود ضرورت، این قبیل محرمات مقدماتی، به مقدار ضرورت حلال می‌شوند.

نقد و بررسی دیدگاه

نسبت به ادله مطرح شده برای جواز دست دادن به زنان غیرمسلمان ملاحظاتی وجود دارد:

الف) نسبت به دلیل اول چند اشکال به نظر می‌رسد:

۱. این دلیل مبتنی بر کشف ملاک برای حرمت نظر است و این کشف ملاک، قطعی نیست، بلکه ظنی است؛ لذا این نوع استدلال از مصادیق قیاس مستنبط العلة است که باطل می‌باشد.

۲. نکته دیگر این است که این دلیل مبتنی بر ایجاد رابطه تلازم میان حکم نظر و دست دادن است. این تلازم نیز بیان شد که ثابت نیست.

۳. جریان ملاک ادعایی در مسئله فرع که همان دست دادن به زن غیرمسلمان است نیز قطعی نبوده و بیان مستدل بهترین شاهد بر این مدعاست؛ چون وی از تعبیر «بعید نیست» استفاده کرده است که نشان می‌دهد وجود این ملاک درباره حکم دست دادن قطعی نیست و صرفاً گمانه‌زنی می‌باشد.

ب) درباره ادعای انصراف ادله، باید گفت: انصراف زمانی پذیرفتنی است که منشأ آن کثرت استعمال باشد، اما اگر این کثرت استعمال ثابت نباشد، نمی‌توان ادعای انصراف کرد. البته شواهدی در مسئله وجود دارد که هر چند قرینه بودن آن‌ها محل تردید است، اما حداقل صلاحیت قرینیت را دارد و به اصطلاح اصولی، مایصلح للقرینیه در کلام وجود دارد. آن شواهد عبارت است از:

۱. با توجه به شرایط زمانی و مکانی سؤال و جواب در روایات، ادعای انعقاد اطلاق و عموم مشکل به نظر می‌رسد، زیرا روایات مربوط به دوران صادقین علیهم‌السلام به بعد است که اقلیت‌های مذهبی تعدادشان اندک بوده و مصافحه با آنان مورد ابتلا نبوده است و آنچه مدّ نظر سائل بوده، حکم دست دادن با زن مسلمان است.

البته این قلت وجودی زنان غیرمسلمان، موجب کثرت وجودی زنان مسلمان است که ممکن است به کثرت استعمال منجر شود؛ لذا اگر چنین کثرت استعمالی ثابت شود، اطلاق روایات با انصراف منتفی می‌شود. اما اگر محل تردید باشد، لااقل

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۵۴

عدم توجه مسلمانان به زنان غیرمسلمان به خاطر حضور کم‌رنگ ایشان در جامعه، این احتمال را تقویت می‌کند که استعمالات ایشان نیز ناظر به زنان مسلمان باشد؛ لذا چنین شاهی می‌تواند مایصلح للقرینه باشد.

۲. در موثقه سماعه، حضرت علیها السلام زنان را به دو قسم زنانی که ازدواج با آنها حرام است و کسانی که ازدواج با آنها حلال است، تقسیم می‌کنند و حکم حرمت دست دادن را که محل سؤال سائل بوده تنها برای زنانی که ازدواج با آنها حلال است، ثابت می‌دانند. این درحالی است که ازدواج با زنان غیرمسلمان بر اساس دیدگاه مشهور شیعه جایز نیست؛ بنابراین، باید گفت دست دادن به ایشان نیز حرام نباشد. به فرض گفته شود، چون حضرت علیها السلام مصادیق گروه اول را بیان کرده‌اند و زنان غیرمسلمان داخل در آنها نیستند که دست دادن به آنها جایز باشد، این تقسیم لاقبل در حد مایصلح للقرینه می‌تواند مؤثر باشد و نقش ایفا کند؛ لذا این روایت نیز از حیث موضوع (زنان) اطلاق و شمولی ندارد و حکم زنان غیرمسلمان را بیان نمی‌کند.

۳. تفاوت احکام فقهی غیرمسلمان با مسلمان نیز می‌تواند در کنار سایر شواهد، مؤیدی بر عدم اطلاق و شمول ادله باشد؛ چرا که ممکن است در این حکم نیز میان این دو گروه تفاوت باشد.

با توجه به سه شاهی که بیان شد، می‌توان ادعا کرد، حداقل نسبت به ادعای اطلاق ادله، مایصلح للقرینه وجود دارد که اگر مبنای مورد پذیرش این باشد که مایصلح للقرینه مانع اطلاق است - هر چند موجب تقيید نیست - دیگر نمی‌توان به اطلاق چنین روایاتی استناد کرد. اما اگر مبنای بالا پذیرفته نشود (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۵، ۳۳-۴۴) اصالة الاطلاق جاری است و روایات شامل زنان غیرمسلمان می‌شود.

ج) با توجه به عناوین ثانویه‌ای همچون حرج، ضرر یا ضرورت می‌توان جواز دست دادن به زنان غیرمسلمان را ثابت دانست، اما این دلیل اختصاصی به زنان غیرمسلمان ندارد و شامل مسلمانان نیز می‌شود؛ زیرا احکام ثانویه حاکم بر احکام اولیه است. اما اینکه چه مواردی مصداق حرج، ضرر یا ضرورت است، نیازمند به بحث و تبادل نظر است، اما اصل کبرای قضیه به صورت یک قاعده کلیه چنان که

در تمام احکام ثانویه پذیرفتنی است، در این مسئله نیز پذیرفتنی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. حکم دست دادن به زنان نامحرم مسلمان، بر اساس تمام مبانی مؤثر در مسئله، حرمت است، مگر با رعایت سه شرط وجود حائل؛ فشار ندادن دست و نداشتن قصد ریه و لذت.

۲. حکم دست دادن به زنان نامحرم غیر مسلمان، بر اساس مبانی مختلف متفاوت می‌شود:

(الف) با توجه به پذیرش چند نکته: جابر بودن عمل مشهور برای ضعف سندی یا مطلق بودن روایات از جهت شمول نسبت به مسلمان و غیر مسلمان و نبودن ملازمه میان حکم نظر و دست دادن، حکم دست دادن به زنان نامحرم غیر مسلمان، همانند حکم دست دادن به زنان نامحرم مسلمان است.

(ب) اما اگر عمل مشهور جابر ضعف سند نباشد و روایات مربوط به دست دادن، ناظر به دست دادن به زنان مسلمان باشد، دلیلی بر حرمت دست دادن به زنان غیر مسلمان وجود ندارد.

(ج) چنانچه عمل مشهور جابر ضعف سند باشد، اما اطلاقی برای روایات دست دادن به نامحرم شکل نگیرد، دست دادن به زنان غیر مسلمان بدون رعایت شرایط سه گانه، حرام است. چون روایات مربوط به حرمت لمس نامحرم در زمان پیامبر ﷺ صادر شده است و درباره روایت ایشان، قرآنی که دال بر عدم اطلاق سایر روایات باشد، وجود ندارد؛ لذا این حکم مطلق است و لمس نامحرم چه مسلمان چه غیر مسلمان حرام است. از آنجا که دست دادن نیز از جمله مصادیق لمس نامحرم است، حرام می‌باشد.

(د) بنا بر پذیرش ملازمه میان حکم نظر و لمس، به صورت کلی باید گفت، دست دادن به زنان غیر مسلمان جایز است، چرا که نظر به مو و صورت ایشان اشکال ندارد و به تبع لمس (دست دادن) ایشان نیز حرام نیست.

۳. چنانچه با توجه به مبانی و قواعد مختلفی که در مسئله تأثیرگذار است، نسبت

به حکم مسئله شک شود، یا ادله نقلی به لحاظ سندی و دلالتی با مشکل مواجه باشند، باید به اصل عملی مراجعه کرد. با توجه به اینکه صورت مسئله از مصادیق شبهه حکمیة تحریمیة است، اصل برائت جاری است؛ در نتیجه دست دادن به زنان نامحرم غیر مسلمان جایز است.

۴. بر اساس شرایط اضطرار و ضرورت و نیز بر اساس احکام ثانویه، به جواز دست دادن حکم می‌شود.

منابع

۱. اشتهاوردی، علی پناه، (۱۴۱۷هـ.ق)، مدارک العروة، چاپ اول، تهران: الاسوة للطباعة و النشر.
۲. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۷هـ.ق)، صراط النجاة، چاپ اول، قم: دار الصدیقة الشهیده ع.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹هـ.ق)، وسائل الشیعة، گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت ع، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت ع.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲هـ.ق)، هدایة الامة إلى احکام الاثمه ع، بخش حدیث پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۵. حکیم، سید محسن (طباطبایی)، (۱۴۱۶هـ.ق)، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم: مؤسسه دار التفسیر.
۶. حلی، یوسف بن مطهر، (علامه)، (۱۴۲۰هـ.ق)، تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثه)، گروه پژوهشی مؤسسه آل‌البیت ع، چاپ اول قم: مؤسسه آل‌البیت ع.
۷. خراسانی، محمدکاظم (آخوند)، (۱۴۰۹هـ.ق)، کفایة الأصول، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت ع.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰هـ.ق)، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۹. _____، (۱۴۱۸هـ.ق)، موسوعه الامام الخوئی، پژوهشگران مؤسسه آثار آیت الله العظمی خویی، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی ع.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳هـ.ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، پژوهشگران مؤسسه المنار مؤسسه المنار، چاپ چهارم، قم: دفتر حضرت آیت الله.
۱۱. _____، (بی‌تا)، جامع الاحکام الشرعیه، چاپ نهم، قم: مؤسسه المنار.

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه

۱۲. شاکری، بلال، (۱۳۹۵)، «بازخوانی نقش اجمال خاص در تمسک به عام»، جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۵، صص ۳۳-۴۴.
۱۳. _____، (۱۳۹۶)، «ضابطه‌مندسازی نظریه انقلاب نسبت»، جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۶، صص ۲۹-۴۴.
۱۴. _____، (۱۳۹۷)، «ضابطه‌مندسازی قاعده اباء از تخصیص»، جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۱۰، صص ۱۳-۴۰.
۱۵. صدوق، محمد، (۱۳۶۲)، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. صدوق، محمد، (۱۳۷۸هـ.ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
۱۷. صدوق، محمد، (۱۳۸۵)، علل الشرایع، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی داوری.
۱۸. صدوق، محمد، (۱۴۰۶هـ.ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۱۹. صدوق، محمد، (۱۴۱۳هـ.ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طاهرینیا، احمد، (۱۳۸۸)، «دست دادن به نامحرم از نگاه آیات و روایات»، کاوشی نو در فقه، شماره ۵۹-۶۰، صص ۲۱۴-۲۴۳.
۲۱. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن الحسین، (۱۴۱۴هـ.ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، گروه پژوهشی مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۲۲. کلینی، محمد، (۱۴۰۷هـ.ق)، الکافی، علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، (۱۴۰۹هـ.ق)، مجمع المسائل، علی کریمی جهرمی، علی ثابتی همدانی، علی نبیری همدانی، چاپ دوم، قم: نشر دار القرآن الکریم.
۲۴. محقق داماد، سید محمد، (۱۴۱۶هـ.ق)، کتاب الصلاة، محمد مؤمن و عبدالله جوادی طبری آملی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، (۱۴۰۶هـ.ق)، منهج المؤمنین، سید عادل علوی، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۶. مطهری، شهید مرتضی، (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، چاپ اول، قم: بی نا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶هـ.ق)، احکام النساء، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۵۸

۲۸. المناوی القاهری، زین الدین، (۱۳۵۶ق)، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، چاپ اول، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
۲۹. منتظری، حسینعلی، (بی تا)، دیدگاهها، نسخه الکترونیک.
۳۰. ———، (بی تا)، رساله استفتائات، نسخه الکترونیک.
۳۱. نجفی، محمد حسین، (صاحب جواهر)، (۱۴۰۴هـ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۳۲. هیشمی، أبو الحسن نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بی جا، قاهره: مکتبه القدسی.
۳۳. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹هـ ق)، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، احمد محسنی، (المحشی)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بررسی جواز و عدم جواز
لمس و دست دادن با زن
مسلمان و غیرمسلمان
از منظر فقه امامیه



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی